

گفتگوهای گزارشگران درباره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان - گفتگو با نسرين ابراهيمي



واقعیت اینستکه از پیش از برگزاری رفراندوم سازماندهی همکاریها و زد و بندها و توافقات بین رژیمهای جمهوری اسلامی، عراق و ترکیه صورت گرفته بود. تهدیدها به بستن مرزها، محاصره اقتصادی، بستن فرودگاه سلیمانیه و اربیل، مانورهای نظامی مشترک و... نشان از یک صف بندی ارتجاعی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان میداد هر چند که دور از انتظار هم نبود ولی سوال اینستکه همه پرسى را از زاویه چه نیرو، قشر و یا طبقه ای بنگریم. از زاویه حاکمان اقلیم خود مختار کردستان، و پارزانی، هدف سرپوش نهادن بر فساد مالی، عدم تامین حقوق کارمندان، کارت فشار و امتیاز گیری، و ادامه حاکمیت خود است، مخالفت بخشی از اتحادیه میهنی با همه پرسى نیز از زاویه منافع فرقه ای خود بود.

گزارشگران: اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسى با اکثریت قاطع به استقلال آن رای داد. برخی اصولا برگزاری آن و احیانا دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تأیید این حق بطور کلی اما برگزاری این رفراندوم را در شرایط بحرانی کنونی بلحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آنرا چگونه ارزیابی کردید؟

نسرين ابراهيمي:

من به حق تعیین سرنوشت لنینی معتقد هستم. لنین در مقاله حق تعیین سرنوشت میگوید " این حق در برنامه مارکسیستها از نقطه نظر تاریخی و اقتصادی نمیتواند معنای دیگری بجز حق تعیین سرنوشت سیاسی، استقلال دولتی و تشکیل دولت ملی داشته باشد...." اگر بخواهیم به مفهوم حق ملل در تعیین سرنوشت خویش پی ببریم و در عین حال خود را با تعریف های قضائی سرگرم نکنیم و تعریفهای مجرد وضع ننماییم بلکه شرایط تاریخی و اقتصادی جنبشهای ملی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم آنوقت به این نتیجه میرسیم که منظور از حق ملل در تعیین سرنوشت خویش یعنی حق آنها در جدا شدن از مجموعه ملتهای غیر خودی و تشکیل دولت ملی مستقل."

روشن است که سیاست کمونیستی مخالف هر گونه امتیاز ویژه و حق انحصاری برای هر گروه، دسته، نژاد و غیره است. حق تعیین سرنوشت هر ملت دقیقا بر اساس حق برابر میان ملیت ها تعریف می شود. منطقا این برابری در همه ی جنبه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را نشان میدهد. یکی از راه ها و وسایلی که ملت تحت ستم در تعیین سرنوشت خود علیه این نابرابری به آن متوسل میشود در عرصه سیاسی استقلال و تشکیل دولت ملی است.

در رابطه با مردم کردستان عراق واقعیت اینستکه سابقه تاریخی طولانی ای از مبارزه بر علیه رژیمهای حاکم که با خشونت و وحشیگری بیسابقه ای آنها را سرکوب کرده اند وجود داشته است.

همانطور که میدانید بر اساس توافق سایکس پیکو در سال 1916 جغرافیای تازه ای بوجود آمد. و سرزمین کردستان را به چهار بخش تقسیم کردند در حالیکه تفاوت ماهوی میان ملتهای جدید عراق، کویت، سوریه، اردن و.. وجود نداشت. معیار ایجاد کشورهای جدید و مرزهای خط کشی شده بازتابی از منافع استعماری امپریالیستها بود. در همین رابطه یکنفر از شاهزاده های سعودی را بعنوان پادشاه عراق برگماردند.

اما در رابطه با عنصر زمان و مکانی برگزاری فراندنم که شما اشاره کردید شاید بهترین زمان همان اوایل ایجاد حکومت خود مختار کردستان و یا پس از همه پرسی غیر رسمی سال 2005 بود که میخواستند تمایل مردم کردستان عراق را بدانند که رای اکثریت قاطع به استقلال بود. بهر حال از یکسو با توجه به شرایط کردستان عراق، وضعیت احزاب، سازمانها و درجه رشد مبارزه طبقاتی و نیز مسلط بودن دو حزب اتحادیه میهنی و دمکرات و از سوی دیگر با توجه به هراس دولتهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، ترکیه، سوریه که خود در سرکوب و به خاک و خون کشیدن جنبشهای آزادیخواهانه مردم کردستان و سایر اقلیت های تحت ستم یدی طولانی دارند و جدا شدن هر بخش از کردستان را بعنوان زنگ خطری تلقی میکنند، هر گونه استقلال طلبی در هر زمانی با مخالفت شدید و دخالتهای اشکار و پنهان این دولتها روبرو خواهد شد. من فکر میکنم با توجه به شور و شوق و استقبال مردم در کردستان عراق برای ابراز نظر خود، اوضاع از کنترل پارزانی هم خارج شده بود و عقب نشینی تیر خلاصی به شقیقه پارزانی بود چرا که در فرصتهای دیگری هم هر دو حزب اصلی این خواست را وجه المصلحه روابط و منافع حزبی خود با دولتهای جمهوری اسلامی، ترکیه و عراق قرار داده بودند. دلیل اصلی به تعویق انداختن فراندنم هم همین بود که اتحادیه میهنی زیر نفوذ جمهوری اسلامی و حزب دمکرات زیر نفوذ ترکیه و بعلاوه هر دو حزب سیاستهای خود را در چهارچوب سیاستهای امریکا قرار داده بودند.

گزارشگران:

در برابر این پروژه (همه پرسی) صفتبندی های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردوغانی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت هایی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی میگویند فلسفه این همه پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه ی ببینید؟

نسرین ابراهیمی:

واقعیت اینستکه از پیش از برگزاری فراندنم سازماندهی همکاریها و زد و بندها و توافقات بین رژیمهای جمهوری اسلامی، عراق و ترکیه صورت گرفته بود. تهدیدها به بستن مرزها، محاصره اقتصادی، بستن فرودگاه سلیمانیه و اربیل، مانورهای نظامی مشترک و .. نشان از از یک صف بندی ارتجاعی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان میداد هر چند که دور از انتظار هم نبود ولی سنوال اینستکه همه پرسی را از زاویه چه نیرو، قشر و یا طبقه ای بنگریم. از زاویه حاکمان اقلیم خود مختار کردستان، و پارزانی، هدف سرپوش نهادن بر فساد مالی، عدم تامین حقوق کارمندان، کارت فشار و امتیاز گیری، و ادامه حاکمیت خود است، مخالفت بخشی از اتحادیه میهنی با همه پرسی نیز از زاویه منافع فرقه ای خود بود. بعلاوه مخالفت تعدادی از احزاب کردستان عراق نه با همه پرسی بلکه زمان برگزاری آن بود.

اما اگر از زاویه مردم کردستان عراق به مساله بنگریم از دیدگاه کارگران زحمتکش کردستان، استقلال به عنوان راه حل ستم ملی و مساله ملی موضوعیت و محبوبیت دارد. تاریخ کشتارها، خانه خرابیها، آواره گیها، انفال، بمباران شیمیایی و... چنان ترس، نگرانی و نا امنی عمیقی در مردم بوجود آورده است که خواهان جدا شدن از عراق و تشکیل دولت مستقل هستند.

البته این مساله را هم در نظر بگیریم همه اینها در شرایطی است که مردم چندان دلخوشی از این احزاب ندارند و ناراضی هستند. تظاهراتهای چند سال پیش کارکنان بخش آموزش و پرورش، بهداشت، کارکنان دولتی برای خواستههای رفاهی، پرداخت نشدن حقوقها و دستمزدها در شهرهای مختلف کردستان نمایانگر ناراضی مردم از فساد و وضعیت نابسامان اقتصادی و سیاسی موجود بود. فقط در سال 2015 حدود صد و هشتاد نهاد و فعال مدنی در شهر سلیمانیه در نشستی بیانیه شش ماده ای داده و خواستههای خود را مطرح کردند و یا در تظاهرات مردم قلعه دزه دفتر حزب دمکرات رابه آتش کشیدند. بهر حال منظورم اینستکه مردم این احزاب را میشناسند و با آگاهی با دادن رای به استقلال، نظر خود را اعلام کردند. واقعیت اینستکه با استقلال توهمات و تعصبات ملی کنار زده میشود و شرایط مساعدی برای پیشرفت مبارزه طبقاتی بوجود می آید.

گزارشگران:

شهر نفتخیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و بخشا کنترل میشد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها واگذار شد. پیشمرگه های کرد دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آنها خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابجایی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

نسرین ابراهیمی:

آنچه مسلم است از پیشمرگان خواستند که شهر را ترک کنند. اخبار تلویزیون کردستان 24 نشان میداد که مردم از عدم مقاومت پیشمرگان ناخشنود بودند و به خیابانها ریختند، تعدادی از پیشمرگان با مردم و نیروهای حزب کارگران کردستان خط دفاعی ایجاد کرده و به مقاومت پرداختند.

گزارشات رسانه ها و اخبار همگی از زد و بندها، دور زدن مردم، تصمیم گیری پشت سر توده ها توسط هر دو حزب خبر میدهد. تهاجم نیروهای مرکزی عراق همراه با حشدالشعبی با سازماندهی قاسم سلیمانی و سپاه قدس و نیروهای ویژه پلیس به استان کرکوک نمیتوانست بدون چراغ قرمز امریکا، و بدون همدستی و همکاری اتحادیه میهنی و نیز آگاهی حزب دمکرات عراق صورت گرفته باشد، هر چند خبرها حاکی از معامله جداگانه جناحی از اتحادیه میهنی با جمهوری اسلامی نیز می باشد. هر دو حزب از ورق استقلال و رفاندن برای تصفیه حسابهای حزبی و سهم خواهی استفاده کردند و یکدیگر را متهم میکنند. مثلا سرهنگ عثمان وهاب از فرماندهان لشکر 4 جبهه جنوب غربی کرکوک وابسته به اتحادیه میهنی در سایت خبری پ ک ک میگوید که " ما در لشکر چهار جنگیدیم و 105 تن از پیشمرگ های ما به شهادت رسیدند، 200 زخمی و 45 نفر هم به اسارت نیروهای عراقی در آمدند. فرماندهی لشکر 5 بر عهده کمال کرکوک (وابسته به حزب دمکرات) بود آنها حتی یک گلوله هم شلیک نکردند و مواضع خود را برای نیروهای عراقی ترک کردند. "

گزارشگران:

نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را بزیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر ایا بنظر شما کرکوک آبستن بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

نسرین ابراهیمی:

با توجه به ترکیب متنوع جمعیتی کرکوک، وجود منابع عظیم نفتی، دخالتها و رقابتهای دولتهای ارتجاعی ایران و ترکیه در منطقه وضعیت بسیار ملتهب و خطرناک است از آنجائی که معاملات در پشت پرده و بر فراز سر مردم و پیشمرگان صورت گرفت مردم شهر غافلگیر شدند. پس از حمله دولت مرکزی عراق و حشدالشعبی به کرکوک حدود صد هزار نفر از مردم کرکوک و بخصوص طوزخرماتو از ترس نیروهای حشد الشعبی شهر را ترک کرده و آواره و جابجا شدند. گزارشهایی حاکی از این بود که جبهه ترکمنهای عراقی که با حمایت میت ترکیه بوجود آمده (در قتل عام شنگال در سال 2007 نیز دست داشته است) پس از حمله ارتش عراق و حشدالشعبی به کرکوک در تیراندازی به پیشمرگان و شهروندان کرد، آتش زدن ساختمان اتحادیه میهنی و کشتن پیشمرگان، آتش زدن دفتر جنبش جامعه ازاد کردستان در طوزخرماتو، داکوک و کرکوک نقش داشته اند.

گزارشگران:

گفته میشود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

نسرین ابراهیمی:

بدون شک معاملاتی با جمهوری اسلامی صورت گرفته است. رسانه هائی همچون ایندپندنت، رویترز، المنیتور و گاردین هر کدام گوشه هائی از این معاملات و زد و بند ها را گزارش کرده اند. رویترز از دیدار یکی از رهبران اتحادیه میهنی با قاسم سلیمانی یكروز پیش از دستور العبادی در پیشروی نیروهایش بسوی کرکوک خبر میدهد به

گفته رویترز در این دیدار قاسم سلیمانی میگوید که عبادی تمامی قدرتهای منطقه و غرب را در پشت خود دارد و هیچ مانعی در پیش روی او وجود ندارد اگر میخواهید میتوانید به کوه بروید.

گاردین بطور مفصل تری از مذاکرات و معاملات پشت پرده خبر میدهد. گاردین از ملاقات بین سران حزب دمکرات به رهبری مسعود بارزانی و پسرش مسرور و یکی دیگر از مقامات حزب دمکرات با سران اتحادیه میهنی به رهبری هیرو ابراهیم احمد بیوه طالبانی همراه با پسرش بافل و تسار لاهور در شهر دوکان خبر میدهد. در این نشست بافل طالبانی از نشست خود با عبادی صحبت میکند و اینکه از آنها خواسته شده که به نیروهای ضد تروریسم دولت مرکزی اجازه ورود به کرکوک و بدست گرفت کنترل برخی از قسمتها توسط گارد ریاست جمهوری را بدهند، یکی از مقامات حزب دمکرات از بافل سنوال میگوید که ایا اتحادیه میهنی موافقت کرده است و بافل جواب میدهد که نه فقط صحبت شده، این مقام حزب دمکرات میگوید که بافل دروغ گفته ان و یک خیانت تاریخی صورت گرفته است. بهر حال اینروزها هر کدام از سران این احزاب دیگری را به خیانت و یا عدم مقاومت در برابر نیروهای دولت مرکزی متهم میکند. چیزی که مسلم است اینستکه هر دو حزب در بوجود آمدن وضعیت نابسامان و آشفته موجود مقصر هستند و هیچکدام مقاومتی جدی نکردند.

گزارشگران:

نقش و جایگاه کشورهایمانند آمریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

نسرین ابراهیمی:

سیستمی که پس از اشغال عراق و توسط امپریالیسم امریکا در این کشور بوجود آمد باسم دمکراسی توافقی بین گروه های قومی، زبانی، مذهبی، بشدت زمینه را برای بوجود آمدن دولت مرکزی فرقه ای مذهبی شیعی، در گریه های قومی مذهبی و ظهور داعش و سایر دسته جات سنی و شیعی داعشی آماده کرد بدین ترتیب می بینیم که شیرازه جامعه عراق از هم گسیخته است و نشانه ای از حقوق مدنی شهروندان بچشم نمیخورد.

تحولات اخیر در کردستان عراق و حمله نیروهای عراقی و حشدالشعبی به کرکوک و مناطق مورد منازعه بین اقلیم کردستان و دولت عراق با چراغ قرمز امریکا صورت گرفت. به نظر میرسد که منافع دولت امریکا در شرایط فعلی برقرار کردن تعادلی در رابطه اش میان دولت مرکزی عراق و احزاب حاکم کردستان است تا جانی که آنها را کاملا در دامان جمهوری اسلامی نیاندازد، هشدار و تهدید به دولت عراق برای خارج کردن حشدالشعبی از کرکوک در این راستا است. بعلاوه شکست سیاسی امریکا در خاورمیانه برای حفظ هژمونی خود و منجلابی که در افغانستان، سوریه، لیبی بوجود آورده است، سبب شده که به اصطلاح دست به عصا راه برود. برای دولت امریکا منافع و روابطش با ترکیه، عراق و حفظ تمامیت ارضی عراق مهمتر از حکومت اقلیم می باشد.

حزب دمکرات کردستان عراق از دیرباز با امریکا و اسرائیل رابطه داشته است، میدانیم که اسرائیل تنها کشوری است که از استقلال کردستان دفاع کرده است، پشتیبانی اسرائیل از استقلال کردستان که حق طلبی مردم فلسطین را با گلوله جواب میدهد در واقع برای تضعیف ایران و عراق در منطقه است.

عربستان پدر خوانده تمامی بنیادگرایان تروریست اسلامی در تقابل با رقیب شیعی خود ایران بین بارزانی و دولت عراق مانور میدهد از یکسو با حکومت اقلیم کردستان روابط خوبی دارد و از سوی دیگر خواهان تجزیه دولتی عربی نیست.

گزارشگران:

آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش میتواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه ببینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتار ی دیگر از طریق گفتگو را میدهد؟

نسرین ابراهیمی:

به نظر میرسد که این رویدادها بخشی از پروژه آماده سازی برای دوره پس از داعش باشد. با حذف داعش بعنوان قدرتی دولتی، معادلات، توافقات و حتی میتوان گفت بلوک بندیهای منطقه ای ممکن است که تغییر کند و مانند دوره مقابله با داعش نخواهد بود. برخی ها برگزاری رفراندوم را دلیل حمله دولت مرکزی عراق برای بازپس گیری کرکوک و مناطق مورد منازعه تلقی میکنند ولی واقعیت این است که رفراندوم کاتالیزوری شد که این حمله زودتر صورت بگیرد. توافقات فدرالی دولت مرکزی عراق با حکومت خود مختار کردستان طبعا پس از شکست داعش تغییر میکرد، دولت مرکزی عراق حاضر نبود که کرکوک و مناطق مورد مناقشه را رها کند و از سوی دیگر دخالتها و نگرانیهای دولتهای جمهوری اسلامی، ترکیه (البته دولت اسد هم بعدا به میدان خواهد آمد) که هر کدام کردهای ساکن خود را به شدت و با خشونت بیسابقه ای سرکوب میکنند در باز تعریف مناسبات سیاسی موجود در عراق موثر است. در رابطه با پارامتر جنگ و کشتار و خشونت که شما اشاره کردید، درگیریها تا کنون به جنگی گسترده و تمام عیار و تلفات بسیار انسانی روبرو نشده است و آواره ها در حال بازگشت به منازلشان هستند که این باعث خشنودی است. ظاهرا سیاست امریکا و دولتهای غربی دامن زدن به جنگ داخلی تمام عیار دیگری در عراق نیست.

گزارشگران:

چنانچه نکته یا پیامی دارید لطفا مطرح کنید

نسرین ابراهیمی:

مردم کردستان عراق بطور مسالمت آمیز در رفراندوم شرکت کردند و حدود 93 درصد رای به استقلال دادند، این خواست دیرینه مردم کردستان عراق است که برای آن سالها جنگیده اند باید به این رای و نظر مردم احترام گذاشت و انرا برسمیت شناخت. زد و بندهای احزاب حاکم در کردستان عراق با دولتهای منطقه، امریکا، اسرائیل و یا امپریالیستها کمترین تاثیری در حقانیت این رای ندارد.

اما وقت آن است که مردم کردستان عراق برای هر گونه تغییری در زندگی خود، برای استقلال، آزادی، عدالت از این احزاب در مقیاس وسیع فاصله گرفته، به سازماندهی تشکلهای، ارگانها و نهاد های مستقل

خود بپردازند و جنبشی مردمی و شکل گرفته از پائین علیه ارتجاع اسلامی، علیه جنگ و اشغال، دخالتهای دولتهای منطقه و امپریالیستها و برای صلح، آزادی و برابری بوجود آورند.

گزارشگران:

با تشکر از شما نسرین گرامی

27.10.2017

www.gozareshgar.com